

جنوری، 2024

## مسوده

گزارش برگ یا فکت شیت سوال و جواب:

### شامل سازی LGBTQI+ و تعریف جرم آپارتاید جنسیتی<sup>1</sup>

این لحظه ای حساس در گفتمان جوابده ساختن جرایم مبتنی برجنسیت است- لحظه ای که فرصت جدیدی را برای خلق ابزارهای لازم برای به رسمیت شناختن تمام قربانیان جرایم جنسیتی فراهم می سازد. مسوده پیشنهادی کنوانسیون منع و مجازات جنایات علیه بشریت (CHA)، که در حال حاضر در میان کارشناسان حقوقی، جامعه مدنی و دولت ها در حال پخش است، بر دسترسی قربانیان به عدالت در سال های آینده تاثیر خواهد گذاشت. پروسه چندساله تدوین مسوده این سند شامل ویرایش ها و بازنگری های زبانی می شود که فرصتی را برای مدون ساختن درک مترقی از حقوق عرفی بین الملل فراهم می سازد. جرم انگاری آپارتاید جنسیتی به عنوان جنایت علیه بشریت در این کنوانسیون منجر به انکشاف مترقی حقوق بین الملل خواهد شد و باید از طریق یک تعریف معاصر مورد حمایت کامل قرار بگیرد. برخلاف مورد قبل، اگر این جرم انگاری با یک تعریف منسوح صورت بگیرد پیشرفت ها و انکشافات قانون عرفی بین الملل را از بین خواهد برد و این کنوانسیون تاثیرات منفی بر حقوقی که زنان، دختران و اجتماعات LGBTQI+ طی سال ها به سختی کسب کرده اند خواهد داشت و منجر به طرد این قربانیان خواهد شد.

این فکت شیت استراتژی هایی را برای کسب اطمینان از ارائه یک تعریف جامع از پیشنهاد جرم انگاری جنایت آپارتاید جنسیتی علیه بشریت ارائه می دهد که شامل تمام قربانیان به شمول افراد با هویت های LGBTQI+ می باشد. این فکت شیت برای تجهیز مدافعان مجموعه ای از رشته ها به ابزارهای لازم برای پاسخ دادن به سوالات مربوط به چگونگی ترویج یک تعریف فراگیر از آپارتاید جنسیتی و در عین حال حفظ این روند در جهت شناسایی آن به عنوان جرم تهیه شده است.

#### 1. آیا اگر ارائه یک تعریف همه شمول که در برگیرنده تمام قربانیان شود دادخواهی کنیم، مانع دولت ها برای حمایت از جرم انگاری آپارتاید جنسیتی به عنوان جرم علیه بشریت می شویم؟

نه. در حقیقت، برعکس آن درست است. تعریفی که خطر طرد این اجتماعات را داشته باشد حرکت به سوی به رسمیت شناختن آپارتاید جنسیتی را کند خواهد ساخت و احتمال دارد متحدین کلیدی ما را در حاشیه قرار بدهد و در فرجام حمایت گسترده لازم برای تایید جرم انگاری جنایات آپارتاید جنسیتی را تحت الشعاع قرار بدهد. تاریخ نشان می دهد زمانی که جنبش های اجتماعی اشکال شایع طرد شدن را تسهیل می کنند عدالت و پیشرفت پایمال می شود. این درست بوده است، برای مثال، زمانیکه زنان سرشناس سفید پوست جنبش حق رای زنان در ایالات متحده، تلاش های سیاه پوستان برای حق رای را رد کردند، آنها با این کار خود عدالت و پیشرفت را انکار کردند. این موضوع در مورد حذف حقوق افراد ترانجنسیتی از پلتفرم های برجسته جامعه LGBTQI+ برای برابری نیز صدق می کند. چنین اقداماتی با رویکرد جنبش

<sup>1</sup> این فکت شیت پرسش و پاسخ بر مبنای مسوده مقاله علمی لیزا دیویس و جی ام کربی با هدف کسب اطمینان از تعریف جامع LGBTQI+ آپارتاید جنسیتی تهیه شده است: ادراک تحت تعقیب و آزار، آپارتاید و نسل کشی، نومبر 2023. لطفا بدون اجازه نویسنده از استناد و نقل قول از منبع خود داری کنید.

<sup>2</sup> در این فکت شیت از اصطلاح "قربانی" استفاده شده است، و اذعان می دارد افرادی که جرم علیه آنها صورت می گیرد یا آسیب می بینند می توانند هویت خود را با اصطلاح "قربانی" یا "بازمانده" بیان کنند.

حقوق معلولین ایالات متحده که بر شمولیت هر شکل معلولیت برای ایجاد یک مبنای وسیع در راستای کسب حمایت های قانونی گسترده اصرار می ورزد، مغایرت دارد. غلبه بر تفرقه و چند دستگی در امتداد خطوط هویتی تنها منجر به تقویت جنبش ها می شود.

در حالیکه جرم انگاری آپارتاید جنسیتی از اهمیت اساسی برخوردار است، این مبارزات با موانع جدی رو به رو است که اهمیت ایجاد جنبشی واحد در این کارزار را خطیرتر می سازد. دولت ها معمولاً از نظر تاریخی عدالت جنسیتی را از اولویت های خود خارج می سازند. با این حال، با کسب اطمینان از شمولیت LGBTQI+ در کنوانسیون جرم انگاری آپارتاید جنسیتی، دولت هایی که مواضع عمومی برای حمایت از حقوق افراد LGBTQI+ اتخاذ کرده اند ممکن است بیشتر برای جرم انگاری آپارتاید جنسیتی به عنوان یک جرم، تحریک شوند. مزید بر آن، در صورتیکه اگر در تعریف آپارتاید ساختار یا سازه اجتماعی جنسیت و نژاد به رسمیت شناخته شود، دولت هایی که از شناسایی آپارتاید غیر قابل کنترل در زمینه های دیگر حمایت می کنند، ممکن است از تغییر زبان هم حمایت کنند. بنابراین، ایجاد یک حرکت جامعه و همه شمول نه تنها می تواند منجر به شکل گیری یک مبنای وسیع حمایتی شود بلکه به یک استراتژی برد در راستای جلب حمایت دولت ها برای جرم انگاری آپارتاید جنسیتی به عنوان جنایت علیه بشریت شود (نگاه کنید به مثال پرسش هشتم). درج پیشنهادات متنوع جامعه مدنی هم می تواند منجر به یک کنوانسیون بهتر شود که دسترسی به عدالت را تسریع می کند (نگاه کنید به مثال سوال هفتم).

## 2. افراد LGBTQI+ چگونه در زیر یک تعریف منسوخ آپارتاید جنسیتی به عنوان قربانیان در معرض خطر طرد قرار می گیرند؟

جرائم باید تعریف شود تا بتوان عاملان جرم را جوابگو ساخت. از آنجاییکه جرایم جدید در حقوق بین الملل درج می شود، خوب است که به طور معمول با بازگشتن به تعاریف قبلی جرایم، بحث را شروع کنیم. این بدان خاطر است که برسمیت شناختن حقوق (و منع اعمالی که منجر به نقض این حقوق می شود) باید مبتنی بر فهم های ما از تحولات حقوق بین الملل باشد.

بررسی یک شکل جرم انگاری شده آپارتاید- آپارتاید نژادی- می تواند در تعریف جرم آپارتاید جنسیتی به ما کمک کند. تعریف آپارتاید نژادی در قوانین کیفری بین المللی از اساسنامه رم اقتباس شده است. بر مبنای اساسنامه رم آپارتاید نژادی عبارت از اقدامات غیر انسانی... ارتکاب یافته در سیاق یک رژیم سازمان یافته سرکوب و سلطه یک گروه نژادی مشخص بر دیگر گروه یا گروه های نژادی با قصد حفظ آن رژیم است.<sup>3</sup> اگر جای واژه "نژادی" را با واژه "جنسیتی" عوض کنیم، چنین تعریفی ارائه می شود: "یک رژیم سازمان یافته سرکوب و سلطه یک گروه جنسیتی مشخص بر دیگر گروه یا گروه های جنسیتی."

پرسش اساسی در باره این نسخه تعریف آپارتاید جنسیتی این است که چگونه عبارت حقوقی "گروه های جنسیتی" در ذیل حقوق بین الملل فهم خواهد شد. این از اهمیت حیاتی برخوردار است زیرا یک خارنوال باید بتواند موجودیت "گروه جنسیتی" را در زمان محکوم کردن جرم جنسیتی تعریف و اثبات کند. مانند هر اصطلاح نو دیگر، اگر تعریف آپارتاید جنسیتی به شکل جامع و مناسب صورت نگیرد، معرفی "گروه جنسیتی" ذیل آپارتاید دروازه بحث در مورد معنای آن را خواهد گشود. چنین بحث هایی می تواند شامل پرسش هایی در این باره باشد که یک "گروه جنسیتی" تعریف شده حقوقی چیست و "چند گروه" وجود دارد. اگر مفهوم "جنسیت" ذیل آپارتاید بر مبنای یک درک جامع صورت نگیرد، برخی از زنان، دختران و افراد LGBTQI+ از دایره چنین تعریفی بیرون خواهند ماند. این نیز ممکن است منجر به بحث های به نفع محدود ساختن "جنسیت" به یک فهم منسوخ بیالوژیکی یا دوگانه شود. چنین تفاسیر قهقراپی و عقب گرا ممکن است زحمات چندین دهه دادخواهی حقوقی برای برسمیت شناخته شدن تبعیض بر مبنای جنسیت را هدر بدهد و می تواند حقوقی را که به سختی برای زنان، دختران و افراد LGBTQI+ به دست آمده است را تحت الشعاع قرار دهد. این ممکن است استدلال های واپس گرایانه را به نفع محدود کردن «جنسیت» به یک درک دوتایی یا بیولوژیکی منسوخ دعوت کند. چنین تفاسیر واپس گرایانه با چندین دهه پیشرفت قانونی در خصوص به رسمیت شناختن تبعیض بر اساس جنسیت مقابله می کند و می تواند پیروزی هایی که به سختی برای تامین حقوق زنان، دختران و LGBTQI+ بدست آمده است را تضعیف کند. خبر

خوب این است که با بازنگری پیش‌نویس‌های قوانین جدید، فرصت‌هایی برای درمان چنین مشکلاتی و اطمینان از اینکه همه قربانیان چنین جنایاتی تحت قانون برسمیت شناخته می‌شوند، وجود دارد.

### 3. چرا بیشتر احتمال دارد محاکم برای تعریف "گروپ‌های جنسیتی" به جای مراجعه به حقوق بین الملل حقوق بشر به حقوق جزایی بین الملل مراجعه نمایند؟

درحالی‌که حقوق بین الملل حقوق بشر منعکس‌کننده درک معاصر از تبعیض است، این قانون می‌تواند به حقوق جزایی بین الملل از نظر تفسیری کمک کند ولی قابل انتقال به آن نیست. قاعده ساخت دقیق (ملزم ساختن زبان یک قانون که در چارچوب اصطلاحات معقول معنایی خود و نص و روح کنوانسیون قابل تفسیر باشد) و اصل قابل اجرا بودن در حقوق جزایی بین المللی مانع به کاربردن تعریف گسترده‌تر یک اصطلاح به طور مثال، تبعیض جنسیتی در محکمه بین المللی مانند آنچه در قوانین حقوق بشر می‌تواند صورت بگیرد می‌شود.

این اصل استثنائاتی هم دارد، مانند اینکه کنوانسیون مشخص می‌سازد که مواد آن باید مطابق به حقوق بین المللی حقوق بشر تفسیر شود. برای مثال، اساسنامه رم که شامل 21 ماده است، بیان می‌دارد برای محکمه جزایی بین المللی "اقتباس و تفسیر قانون بر مبنای این ماده باید سازگار با حقوق بین المللی شناخته شده باشد... درحالی‌که مسوده کنوانسیون جرایم علیه بشریت اغلب زبان خود را از اساسنامه رم به عاریت گرفته، ولی این احکام را حذف کرده است. 4. بنابراین، قضات و محاکم ممکن است برای درک اصطلاح "گروپ" به فهم موجود از قانون جزا مراجعه کنند. این یکی از دلایلی است که نشان می‌دهد چرا باید کنوانسیون جدید انعکاس دهنده زبان معاصر از قانون عرفی بین المللی باشد.

### 4. اصطلاح حقوقی گروپ‌های جنسیتی ذیل جرم آپارتاید چگونه احتمال دارد تحت حقوق جزایی بین المللی درک شود؟

در زمان تعریف "گروپ‌های جنسیتی" واژه کلیدی برای تعریف حقوقی موضوع "گروپ‌ها" است، در حالیکه واژه "جنسیت" صفتی است که "گروپ‌ها" را وصف می‌کند. با اینکه طی چند دهه گذشته اصطلاح "نژاد" و "جنسیت" به طور گسترده و به حیث ساختن های اجتماعی در حقوق بین الملل به طور وسیع درک شده است<sup>5</sup>، در مورد موضوع مورد نظر این بحث مطرح می‌شود که چگونه "گروپ‌های" محافظت شده تحت قانون جزای بین الملل به طور خاص درک می‌شود. برای مثال، "گروپ‌های نژادی" محافظت شده در برابر جنایت نسل‌کشی بسیار محدودتر تعریف شده اند و تاحدی مبتنی بر تعاریف منسوخ نژاد می‌باشند، درحالی‌که گروپ‌هایی که بر بنیاد زمینه های نژادی مورد حمله قرار می‌گیرند (گروپ‌های نژادی) تحت تعقیب، به طور گسترده و بر مبنای ساختن های اجتماعی درک می‌شوند. تفسیر "گروپ‌های نژادی" ذیل نسل‌کشی منجر به خلق مشکلاتی در تحقق عدالت برای قربانیان شده است. گسترده ساختن درک آپارتاید در راستای شامل ساختن تمام افرادی که بر اساس نژاد یا جنسیت شان مورد حمله قرار می‌گیرند، جنبشها و حرکت های عدالت نژادی و جنسیتی را تقویت خواهد کرد.

ما "گروه‌های" محافظت شده را در سه جنایت تحت حقوق جزایی بین الملل می‌یابیم. "تعقیب و آزار"، "آپارتاید" و "نسل‌کشی" – جنایاتی که به شکل خاص مبین تبعیض است. درک و کاربرد جرایم از دو منبع اولیه سرچشمه می‌گیرد: کارهای مقدماتی برای تهیه مسوده کنوانسیون (مذاکرات، مباحث، و تدوین نسخه نهایی یک کنوانسیون) و فقه ( رویه قضایی ارائه شده توسط محاکم). از آنجایی که آپارتاید جنسیتی هنوز در مرحله آزمایشی است، هیچ علم فقهی رسمی برای تفسیر گروپ‌های محافظت شده در چارچوب جنایت آپارتاید جنسیتی وجود ندارد. با این حال، مقدمات و میکانیسم های مسئولیت پذیری وجود دارد که یا آپارتاید نژادی را مورد بحث قرار داده اند یا درکی از آپارتاید جنسیتی را به کاربرده اند. در هر دو این متن و بستر، "گروپ‌های نژادی" بر اساس معنایی که از نسل‌کشی انتباه می‌شود قابل درک و فهم است و نه معنایی که از تعقیب و آزار ادراک می‌شود. این بدان معناست زمانی که افراد متهم به آپارتاید می‌شوند، سارنوالان و محاکم تمایل به

4 از اپریل 2023، مسوده کنوانسیون جرم و جنایت علیه بشریت مقرر می‌دارد که هر کشوری «متعهد می‌شود که از جنایات علیه بشریت مطابق با قوانین بین‌المللی جلوگیری کند». تسوید کنندگان این کنوانسیون مکلف اند زبان اصلی را که بر اساس ماده 21 اساسنامه رم منون شده است حفظ کنند و مراجع قضایی را هدایت کنند تا از قوانین حقوق بشر متایعت نمایند.

5 جنسیت، برای مثال، شامل گرایش های جنسی، هویت جنسیتی، اظهار جنسیتی و ویژگیهای جنسی می‌شود.

متابعت از درک منسوخ از "گروپها" براساس تعریف نسل کشی دارند که متضاد درک وسیع از "گروپ ها" بر بنیاد آزار و تعقیب است. این امر منجر به طرد برخی از زنان و دیگر گروپ های LGBTQI+ از مزایای این طرح می شود.

### الف. "گروپ های" محافظت شده براساس نسل کشی چگونه تعریف شده اند؟

چهار گروپ براساس کنوانسیون منع و جلوگیری از نسل کشی محافظت می شوند: گروپ های "ملی"، "قومی"، "نژادی" و "مذهبی". مقدمه کنوانسیون نسل کشی منعکس کننده فهمی از این گروپ ها به عنوان ویژگیهای کلیدی تداوم یا ... است. در هنگام نوشتن کنوانسیون نسل کشی، تسوید کنندگان کنوانسیون براین باور بودند که اعضای گروپ اجتناب ناپذیری خاصی برای قرار داشتن در این گروه داشته اند. به این معنا که آنها در این گروه متولد شده اند و هویت عضویت آنها خارج از کنترل شان بوده است. برای نمونه، تهیه کنندگان مسوده که به نژاد به عنوان یک امر بیالوژیکی می دیدند (موضعی که از آن زمان تاکنون دچار دگرگونی های زیادی شده است) براین باور بودند که اعضای "گروپ های نژادی" می توانند بر مبنای ویژگیهایی مانند رنگ پوست یا دیگر ویژگیهای فیزیکی مشخص شوند. ملیت و مذهب، با این حال، برایشان کمتر وضاحت داشت. درحالیکه از نظر تسویدکنندگان کنوانسیون مذهب و ملیت کمتر تغییر ناپذیر بود، آنها براین باور بودند که چنان تغییراتی شدیداً چالش برانگیز خواهد بود و از این رو غیر محتمل خواهد بود. این دیدگاه براساس این مفکوره استوار بود که افراد، برای مثال، به آسانی قادر نمی باشند تا دین خود را که در آن بزرگ شده اند ترک کنند یا تغییر بدهند. این تسویدکنندگان همچنین شمولیت گروپ های سیاسی در کنوانسیون را مورد بحث قرار دادند، اما به اعضای این گروپ با این بینش نگریده می شد که آنها برای پیوستن به چنین گروپ ها یا ترک کردن آنها حق انتخاب دارند. بنابراین، گروپ های سیاسی به عنوان نهادهای با ثبات یا دایمی در نظر گرفته نشدند و این، برعکس گروپ های تحت آزار و تعقیب، منجر به طرد گروپ های سیاسی به عنوان گروپ های تحت محافظت کنوانسیون منع و جلوگیری از نسل کشی گردید.

در حالیکه تعریف تعقیب و آزار ارائه شده بود، اما تسویدکنندگان کنوانسیون قصد خود از تفاوت گذاری بین استندرها و معیارهای نسل کشی و آزار و تعقیب را آشکار ساختند: نسل کشی اقدام عمدی برای از بین بردن یک گروپ بشری است. به این تعریف تحت اللفظی باید به شدت پایبند بود؛ در غیرآن، این خطر وجود دارد که ایده و تعریف نسل کشی به طور نامحدودی به قانون جنگ، حق افراد خود مختار، مصئونیت اقلیت ها، احترام به حقوق بشر و غیره گسترش یابد.<sup>6</sup>

تعریف جنایت نسل کشی در سال 1948 سرانجام به اساسنامه های محکمه کیفری لاهه برای یوگسلاویای سابق (ICTY) و محکمه بین المللی رواندا و همچنین دیگر محاکم راه یافت. محکمه بین المللی رواندا (ICTR) اولین حکم محکومیت نسل کشی توسط یک محکمه بین المللی را با استفاده از یک ارزیابی عینی برای تعیین گروپ های محافظت شده از نسل کشی صادر کرد. محکمه اعلام کرد که «به ویژه مهم است که به قصد تهیه کنندگان کنوانسیون نسل کشی احترام بگذاریم، زیرا طبق پیش آزمایی های مقدماتی این کنوانسیون، تضمین حمایت از هر گروه با ثبات و دائمی به طور آشکار در نظر گرفته شده بود. محکمه اعلان کرد که "مخصوصاً مهم است تا به نیت تسویدکنندگان کنوانسیون نسل کشی احترام گذاشته شود، که بر مبنای مقدمات آن، تمهیدات آشکار برای کسب اطمینان در راستای حمایت از هرگروپ با ثبات و دایمی در نظر گرفته است.<sup>7</sup> به بیان دیگر، محکمه تصمیم گرفت که اعضای گروه باید به طور اتوماتیک براساس تولد، به شکل دوامدار و غیر قابل جبران متعلق به گروه باشند.<sup>8</sup> دادگاه با به کارگیری این شاخص، «معیارهای عینی» خود را برای تعیین عضویت در گروه تعیین کرد. به عنوان مثال، گروپ های نژادی، «بر اساس ویژگی های فیزیکی وراثتی که اغلب با یک منطقه جغرافیایی مشخص می شوند، صرف نظر از عوامل زبانی، فرهنگی، ملی یا مذهبی تعریف شدند.<sup>9</sup> به دلیل پیچیده بودن ماهیت به کارگرفتن "معیارهای عینی" در سازه های اجتماعی، محاکم بین المللی از "رویکرد عینی" محض اکایسو (Akayesu) به سمت معیارهای ذهنی حرکت کردند، که از منظر فهم عواملان جرایم و جنایات نسبت به قربانیان موضوع را بررسی می کنند. محکمه جزایی بین المللی یوگسلاویا برای مثال، به طور انحصاری متکی بر ادراک مجرم برای تعیین گروپ بود. امروزه در راستای تلاش برای تعریف یک ... گروپ نژادی استفاده از معیارهای عینی و بطور قابل ملاحظه ای سرزنش ناپذیر ممارستی، خطرناک خواهد بود که نتیجه آن لزوماً با درک دیدگاه افراد مربوط به

<sup>6</sup> 4 U.N. ESCOR, U.N. Doc. E/447 (1947)

<sup>7</sup> سارنوال (Prosecutor) وی. اکایسو، کیس شماره. ICTR-96-4-T (محکمه بین المللی رواندا، سپتامبر 2019) پارا 516.

<sup>8</sup> همان. پارا. 511

<sup>9</sup> همان پارا. 514

چنین طبقه بندی مطابقت نخواهد داشت. بنابراین، مناسب تر است که وضعیت ... گروه نژادی از منظر آنانی ارزیابی شود که درصد طرد این افراد از بقیه اجتماع اند. 10 با این حال، پرونده جلیسیک یک امر مطرود است. اکثریت قریب به اتفاق دوسیه های نسل کشی دوران معاصر در محاکم خاص به طور اختصاصی متکی بر رویکرد عینی نبوده اند. در عوض، محاکم بر ترکیبی از عناصر عینی و ذهنی اتکا کرده اند. آنها چنین مطرح می کنند که تعیین گروه محافظت شده مربوطه باید بر مبنای مورد به مورد صورت بگیرد و شامل معیارهای عینی و ذهنی باشد. و چنین رویکردی خطر طرد قربانیان LGBTQI+ را در پی دارد (نگاه کنید به پرسش پنجم، زیر).

علی رغم چندین دهه تولید ادبیات علمی که به بررسی ماهیت عمیقاً پیچیده تعریف منسوخ "گروه ها" در نسل کشی پرناخته اند، باز هم زمانیکه نسل کشی در سال 1384/2003 بر مبنای اساسنامه رم دوباره جرم انگاری شد، این تعریف تعدیل نگردید. در عوض، تسویدکنندگان باردیگر به مقدمه کنوانسیون نسل کشی به عنوان منبع اصلی اتکا نمودند. مانند اساسنامه های محکمه کیفری لاهه برای یوگسلاویای سابق (ICTY) و محکمه بین المللی رواندا (ICTR)، کمیته تسوید اساسنامه رم تعریف نسل کشی از کنوانسیون 1948 را بدون تعدیل اقتباس نمود.

### ب. «گروه های» محافظت شده تحت آزار و تعقیب چگونه تعریف می شوند؟

آزار و تعقیب این گونه تعریف شده است: «محروریت عمدی و شدید از حقوق اساسی برخلاف حقوق بین الملل به دلیل هویت گروه یا جمع. 11 بر اساس اساسنامه رم تعقیب و آزار هر گروه یا اجتماع مشخص بر مبنای سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسیتی آنگونه که در اساسنامه تعریف شده یا بر مبنای یا دلایل دیگری که به طور جهانی تحت حقوق بین الملل غیرمجاز شناخته شده اند، منع است.

برای تعیین اینکه چه کسی عضو گروه است، ما به نظر مجرم نسبت به قربانی نگاه می کنیم. این مهم نیست اگر قربانی ها اعضای "عینی" گروه بوده اند. اما این مهم است که مجرم آنها را به قصد تبعیض (بر مبنای زمینه محافظت شده) مورد حمله قرار داده است. برای مثال، یک مجرم دو قربانی را به خاطر این لت و کوب می کند که آنها لباس هایی را پوشیده اند که از نظر مجرم لباس مناسب زنان است. در اینجا قربانیان بر مبنای جنسیت مورد تبعیض قرار گرفته اند (زیرا مجرم قربانیان را خارج از یک نوع پوشش تبعیض آمیز و جنسیتی می داند). اینکه قربانیان به عنوان زن شناخته شوند یا نه، مهم نیست و نیازی نیست هیچ نوع معیار عینی را برای تعیین عضویت آنها در گروه مورد هدف شناسایی نمود. 12 پالیسی محکمه جزایی بین المللی (ICC) در باره جرم تعقیب و آزار جنسیتی بر این امر تاکید نموده و خاطر نشان می سازد زمانیکه یک "مجرم فردی را مورد هدف قرار می دهد برای اینکه او یک "گی" است، این اهمیتی ندارد که این شخص خود را بین جنسی بداند. اینکه مجرم به غلط به این شخص به عنوان عضو گروه هدف می بیند، رفتار او را از ویژگی تبعیض آمیز میرا نمی کند. 13 این بدان معناست که تعقیب و آزار دارای یک معنای وسیع و جامع از "گروه های هدف" است و چنین فهمی از نگرش، مجرم را در محوریت قرار می دهد.

<sup>10</sup> سارنوال وی. جلیسیک، دوسیه شماره IT-95-10-T (14 دسمبر 1998)، پارا 70.

<sup>11</sup> ماده 7 (2) (جی) اساسنامه رم.

<sup>12</sup> پالیسی محکمه جزایی بین المللی درباره جرم آزار و تعقیب، پارا. 44 (2022). "اگر یک مجرم فردی را به عنوان گی تلقی کند، و آن فرد نیز شخصاً هویت جنسیتی خود را گی بداند، این ممکن است بتواند شواهد مبنی بر هدف قرار دادن افراد بر مبنای هویت جنسیتی گی توسط مجرم را ارائه نماید. با این حال، چنین همپوشانی لازم نیست.

<sup>13</sup> همان. پارا 44.

برخلاف درک گروپ تحت نسل کشی، درک گروپ هدف تحت تعقیب و آزار منجر به مطرح ساختن پرسش هایی درباره اینکه چه معیارهای عینی ممکن است برای شناسایی اعضای گروپ لازم باشد، نمی گردد. نکته مهم این است که، معیارهای مورد نیاز برای گروپ هدف تحت تعقیب و آزار امر ذهنی است، یعنی چنین درکی مبتنی بر نگرش مجرم از قربانی است. کافی است مجرم قربانی را به عنوان عضو گروپ هدف بداند یا به عنوان کسی بداند که با گروپ هدف همدردی می کند یا وابسته به گروپ هدف است. براساس جرم آزار و تعقیب، گروپ ها گسترده هستند و به دلیل زبان "بربنیاد" یک "زمینه" محافظت شده، تعیین گروپ مستلزم این نیست که عضو گروپ دارای شرایط "عینی" باشد.

### ج. تحت آپارتاید "گروپ های" محافظت شده، چگونه تعریف می شوند؟

بر مبنای اساسنامه رم آپارتاید نژادی عبارت از اقدامات غیرانسانی... ارتکاب یافته در سیاق یک رژیم سازمان یافته سرکوب و سلطه یک گروه نژادی مشخص بر دیگر گروه یا گروه های نژادی با قصد حفظ آن رژیم است. 14 سارنوالان "گروپ نژادی" و عضویت فرد در گروپ را باید اثبات کنند تا نشان داده شود جرم و جنایت تحت آپارتاید انجام شده است. از آنجایی که آپارتاید نژادی باید آزموده شود، هیچ فقه رسمی برای نحوه تفسیر گروپ های "محافظت" شده که به طور قانونی تحت آپارتاید درک شده باشد وجود ندارد. با این حال، میکانیسم های مقدمات کنوانسیون و حسابدهی که درباره آپارتاید بحث کرده اند یا درکی از آپارتاید نژادی را به کار بسته اند فراهم است. در هر دو این متن و بستر "گروپ های نژادی" برای پیگیری معنای مطروحه در نسل کشی قابل فهم است-نه در آزار و تعقیب.

اعمال و به کاربردن یک تعریف عینی مانند آنچه تحت آزار و تعقیب برای جرم و جنایت آپارتاید بازتاب دهنده سازه اجتماعی نژاد است. این خطر وجود دارد که سارنوالان و محاکم ممکن است به جای به کاربردن تعریف "گروپ های نژادی" تحت نسل کشی، برخی ویژگی های "عینی" را برای شناسایی "گروپ نژادی" لازم بدانند. تسویدکنندگان اساسنامه رم به کنوانسیون آپارتاید برای تعریف جرم و جنایت آپارتاید علیه بشریت اتکا کردند. تدوین کنندگان کنوانسیون جرم و جنایت آپارتاید علیه بشریت برای زبان و بخش های مشخص این کنوانسیون از کنوانسیون نسل کشی کمک گرفته بودند. مقدمات کنوانسیون منع جرم و جنایت آپارتاید نشان دهنده این پیوند است، به این معنا که اصطلاح "گروپ نژادی" حامل این خطر است که مبدا چنین درک شود که این اصطلاح تحت کنوانسیون نسل کشی قرار دارد.

یک فهم عینی و گسترده از "گروپ های نژادی" مانند آنچه از تعریف "تبعیض نژادی" در کنوانسیون بین المللی منع هر نوع تبعیض اقتباس شده است می تواند بهتر متضمن عدالت برای قربانیان جرم و جنایات آپارتاید باشد. با این حال، قاعده ساخت و ساز دقیق (ملزم سازی زبان یک قانون که در قالب اصطلاحات معقول خودش و روح و گستره کنوانسیون تفسیر شود)، و اصل قابلیت اجرایی در حقوق جزایی بین الملل بر استفاده از تفاسیر حقوق بشری محاکم در اولویت قرار دارد. درحالی که حقوق بین المللی حقوق بشر به شمول کنوانسیون از بین بردن هر نوع تبعیض نژادی (ICERD)، می تواند کمک تفسیری برای حقوق جزایی بین المللی باشد و نمی تواند به آن منتقل شود. با این حال، اگر ما زبان آپارتاید را برای حصول اطمینان از آزار و تعقیب به کار ببریم، در اینجا تعریفی کاملاً ذهنی از "گروپ ها" صورت گرفته است، ادراکی وسیع از "گروپ های نژادی" ( و گروپ های جنسیتی" تحت آپارتاید) که قابل به کارگیری تحت کنوانسیون منع و جلوگیری از آپارتاید است.

ماموریت بین المللی مستقل حقیقت یاب در امور میانمار (IFFMM) ارزیابی مشروعی از جنایات نسل کشی، آپارتاید و آزار و تعقیب ارائه می کند. در هنگام بحث پیرامون جرم آزار و تعقیب، این هیئت از "معیارهای ذهنی" برای تعریف گروپ های مورد هدف، با اتکا به عواملی مانند نگرش ها و رفتارهای مجرمین بهره می برد. این هیئت (IFFMM) در هنگام بحث در مورد گستره و به کارگیری اصطلاح "گروپ های نژادی" تحت کنوانسیون منع و جلوگیری از آپارتاید، از ارجاع به ادراک "گروپ های" هدف جرایم تحت تعقیب و آزار خود داری می کند. در عوض، این هیئت به ادراک گروپ های "نژادی" آنگونه که تحت کنوانسیون منع و جلوگیری از نسل کشی به کار می رود، استفاده می کند که مستلزم هر دو عوامل عینی و ذهنی است.

نماینده خاص سازمان ملل در امور فلسطین تلاش ورزیده براین محدودیت ها درباره معنای "گروپ های نژادی" برای به کار بردن جرم و جنایات آپارتاید در زمینه اقدامات اسرائیل علیه فلسطینی ها فایق آید. او به پیشرفت های حاصله نسبت به ادراک "نژاد" به عنوان یک ساخت اجتماعی اشاره می کند و با اشاره به مواد کنوانسیون منع و مجازات آپارتاید و اساسنامه رم (ICERD) استدلال می کند که "گروپ های نژادی" باید به عنوان یک سازه اجتماعی تحت این کنوانسیون ها برسمیت شناخته شوند. کنوانسیون منع و مجازات آپارتاید و اساسنامه رم، نژاد (یا آپارتاید) را تعریف نکرده ولی در عوض "تبعیض نژادی" را به عنوان اعمال هر نوع تمایز، طرد، محدودیت یا ترجیح بر مبنای نژاد، رنگ پوست، محل تولد، ملیت یا قومیت تعریف نموده است. از این رو، "نژاد" را در کنار دیگر دسته بندی هایی که ممکن است منجر به تبعیض نژادی شود قرار داده است. در حالیکه مسئولیت گزارشگر ویژه سازمان ملل شامل حقوق جزایی بین المللی نمی شود، این تحلیل می تواند برای بحث پیرامون "گروپ های نژادی" در راستای درک آنها به عنوان سازه ها یا ساخت های اجتماعی مفید باشد.

این موضوع بیانگر نیاز مبرم برای یک زبان حقوقی مناسب است که ادراک "نژاد" به عنوان یک ساخت اجتماعی تحت جرم و جنایت آپارتاید را روشن بسازد. این امر همچنان مبین موانع عدلی است که ممکن است از طریق خلق اصطلاح حقوقی "گروپ های جنسیتی" تحت منع و جلوگیری از جرایم آپارتاید ایجاد شود، اگر یک زبان جامع برای تبیین "گروپ های جنسیتی" به عنوان ساخت اجتماعی در کنوانسیون به کار نرفته باشد.

## 5. چی اتفاق خواهد افتاد اگر رویکرد تعریف ذهنی-عینی گروپ های جنسیتی "محافظت شده در مورد LGBTQI+ نیز به کار برده شود؟

در رویکرد عینی-ذهنی این خطر وجود دارد که "گروپ های جنسیتی" تنها در دو دسته بندی قرار بگیرند: مرد و زن (یا مونث و مذکر). "معیار عینی" برای زنان، مانند ویژگیهای فیزیکی یا بیالوژیکی، احتمال دارد منجر به حذف زنان ترانجسیتی شود. چالش های مشابه در رویکرد معیار عینی برای تعریف دیگر گروپ ها LGBTQI+ یا افراد LGBTQI+ به عنوان یک گروپ کامل وجود دارد.

رویکرد عینیت یافته ذهنی (زیر مجموعه عینی-ذهنی) نیز منجر به حذف افراد LGBTQI+ می شود. رویکرد عینیت یافتن ذهنیات نگرش قربانی را در نظر می گیرد، و در می یابد که باورهای ذهنی ممکن است به مرور زمان در هر دو گروپ- مجرمین و قربانیان- به باور عینی تبدیل شود، تمایزی که همواره در بین این دوگروپ وجود داشته است. این رویکرد همچنان برای افراد LGBTQI+ که ممکن است نخواهند به دلایل نگرانی از سلامت خود، در ملاء عام به عنوان عضو چنان گروپ هایی شناخته شوند نیز مشکل آفرین است. خانواده ها نیز ممکن است مایل نباشند که عزیزان شان که در گذشته اند، بنابراین مختلف به عنوان افراد LGBTQI+ شناخته شوند. در هر صورت، تعداد معدودی میکانیزم های حسابدهی ارزیابی مسئله نسل کشی یا آپارتاید رویکرد عینیت یافته را آزموده اند و دریافته اند شیوه ای که در ارزیابی های محاکم به کار می رود نمایندگی از رویکرد عینیت یافته نمی کند.

پپیچیده ترین معضل این است که هر درجه ای از معیار عینی ممکن است ادراکات منسوخ از جنسیت به عنوان یک پدیده «دودویی» و «بیالوژیکی» را تقویت کند و به دیدگاه های بنیادگرایانه در باره جنسیت کمک کند که زمینه ساز حملات بر اجتماع LGBTQI+ می گردد. طرفداران این استعاره ها ویژگی های جنسیتی و سازه های اجتماعی را با هم ترکیب می کنند و به برخی از آنها به شکل گزینشی برچسب ویژگیهای عینی می زنند و آنهایی را که تفاوت ها را بیان می کنند، ایدئولوژیست های جنسیتی می نامند. استدلال بنیادگراها این است که ویژگیهای عینی اصطلاح جنسیت را تعریف می کند و تنها موجودیت دو دسته بندی جنسیتی، یعنی "مذکر" و "مونث" را دیکته می کند. آنها همچنین استدلال می کنند که معیارهای عینی که به زنان و مردان نسبت داده می شود نیز به شکل بیالوژیکی تعیین شده اند، یعنی با ترکیب ساخت های اجتماعی با ویژگیهای فیزیکی. به عنوان مثال، برخی از اصولگرایان معتقدند که مردان نسبت به زنان تصمیم گیرندگان تواناتری هستند و این امر از نظر زیستی دیکته شده است. این استدلال، بر اساس این باور که ویژگیهای فیزیکی انتخابی و سازه های اجتماعی «به طور عینی» «گروه های جنسیتی» را تعیین می کند، «جنس» و «جنسیت» را نادرست توصیف می کند و همزمان آنها را با هم ترکیب می کند. سازمان های بنیادگرا به استدلال علیه درک ذهنی «جنسیت» ادامه می دهند. برخی از

این سازمان ها به طور فعال خواستار بازگرداندن تعریف منسوخ جنسیت هستند که از مسوده کنوانسیون جنایات علیه بشریت (CAH) حذف گردیده است.

در حالی که این موضوع هم از نظر علمی و هم از نظر قانونی اشتباه است، چنین توصیف‌های نادرستی می‌تواند در مبحث تعیین «گروپ های جنسیتی» تحت آپارتاید بحث را به بیراهه بکشاند. بنابراین بهتر است که از همان ابتدای طرح تعریف حقوقی آپارتاید جنسیتی تشخیص دهیم که اعمال غیرانسانی ارتکاب یافته در چارچوب یک رژیم نهادینه شده ستم و سلطه سیستماتیک که بر اساس جنسیت انجام می‌شود، به عدالت کمک می‌کند. این شناخت متضمن به کاربردن زبان جامع و فراگیر درباره گروپ های مورد هدف است که تحت جرم تعقیب و آزار تشخیص شده و منعکس کننده ادراک "جنسیت" تحت قانون عرفی بین الملل می‌باشد.

## 6. حتی در صورت به کاربردن رویکرد عینی-ذهنی، آیا قربانیان LGBTQI+ قابل شناسایی هستند که گویا آنها قربانی اعمال غیر انسانی هستند که مرتبط با آپارتاید جنسیتی است؟

هر فردی که تحت "اعمال غیر انسانی" قرار بگیرند که مرتبط با آپارتاید جنسیتی است ممکن است به عنوان قربانی در کنوانسیون در نظر گرفته شود، بدون در نظر داشت اینکه "گروپ جنسیتی" چگونه تعریف شده است (تازمانیکه تمام عناصر وجود داشته باشد). با این حال، چنان قربانیانی لزوماً بخشی از "گروپ" جنسیتی تلقی نمی‌شوند. برسمیت شناختن گروپ، بازتاب دهنده زمینه رژیم نهادینه شده ظلم و سلطه است. در صورتیکه افراد LGBTQI+ به حیث قربانیان اعمال غیر انسانی برسمیت شناخته شوند، ولی به عنوان اعضای گروپ هدف (قربانیان مورد هدف برای تبعیض جنسیتی) شناخته نشوند، بسیار مشکل آفرین است.

یکی از ارزش های والای شناسایی آپارتاید جنسیتی این است که این کار سیستم های ظلم و سلطه را بر مبنای جنسیت باز نمایی می‌کند و مجرمین را در برابر قربانیان جوابده می‌سازد. محدود ساختن گروپ های جنسیتی تحت آپارتاید جنسیتی به زنان و مردان، منجر به تقویت چارچوب های بیالوژیکی هویت دوگانه و هویت های حذف شده می‌شود؛ چارچوب هایی که افراط گرایان برای ارتکاب ستم جنسیتی از آن استفاده می‌کنند. ناکامی در جرم انگاری سیستم هایی که به تمام زنان، دختران و / به شمول افراد LGBTQI+ ظلم روا می‌دارد، منجر به تقویت نامرئیت ریشه دار این قربانیان می‌شود. این امر به نوبه خود خطر تقویت این مفکوره را در بردارد که بر این باور است، تنها برخی- نه تمام زنان و دختران با تبعیض مواجه اند و دیگر افراد LGBTQI+ باید همه طرد شوند. این می‌تواند منجر به عقب گرد دستاوردهایی شود که به سختی در جنبش عدالت جنسیتی بدست آمده اند.

برای نمونه، به حیث بخشی از رژیم نظام مند ظلم و سلطه جنسیتی، طالبان مرتکب تجاوز جنسی، شکنجه، قتل و دیگر اعمال غیر انسانی علیه زنان، دختران و / به شمول افراد LGBTQI+ به خاطر جنسیت آنها، به شمول گرایش های جنسی، هویت و بیان جنسیتی شان شده اند. نماینده ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشری افغانستان به این موضوع اشاره کرده و بیان داشته است که افراد «لزبین، گی، دوجنس‌گرایان، افراد ترنس و دیگر افراد دارای تنوع جنسیتی و افغان‌های دوجنس‌گرا همچنان به دلیل عدم انطباق با کلیشه‌های جنسیتی تحت تعقیب قرار می‌گیرند. بدون فضاها امن»،<sup>15</sup> آنها در ترس از شناسایی به عنوان افراد دگرباش زندگی می‌کنند، که این می‌تواند منجر به خشونت شدید و مرگ آنها شود.<sup>16</sup>

## 7. چگونه می‌توان از ارائه یک تعریف حقوقی که در بردارنده زنان، دختران و / شمولیت افراد LGBTQI+ باشد اطمینان حاصل کرد؟

تهیه هر نوع مسوده تعریف آپارتاید جنسیتی باید از طریق برگزاری ورکشاپ برای نظرخواهی با طیف وسیعی از زنان، دختران و گروپ های LGBTQI+ صورت بگیرد. گروپ های جامعه مدنی دارای دیدگاه های ارزشمندی هستند و

<sup>15</sup> کنوانسیون بین المللی محو هر نوع تبعیض نژادی (ICERD) (1965). در این کنوانسیون نژاد تعریف نشده است، اما (تبعیض نژادی) در این کنوانسیون به هر نوع تمایز و ممنوعیت یا محدودیت و یا راجحانی که بر اساس نژاد و رنگ یا نسب و یا منشأ ملی و یا قومی مبتنی بوده باشد تعریف شده است و "نژاد" را هر دیف دیگر دسته بندی ها و مقولاتی قرار داده است که ممکن است در معرض تبعیض نژادی باشند.

<sup>16</sup> ریچارد بنت، وضعیت حقوق بشر در افغانستان، A/78/338، (1 سپتمبر 2023)، پارا 55.



قادرند بر پالیسی هایی که بر سرنوشت آنها تاثیر گذار است اعمال نفوذ کنند. تخصص نهادهای جامعه مدنی از متن زندگی آنها گرفته شده است که مبتنی بر واقعیت های کشمکش یا جنایاتی است که بر آنها صورت گرفته است. آنها می توانند راه حل های عملی برای غلبه بر چالش های عملی و آکادمیک برای حصول اطمینان از عدالت ارائه نمایند. به گونه مثال، زمانیکه دفتر محکمه جزایی بین المللی (ICC) پیش از تهیه مسوده پالیسی جنایت آزار و شکنجه، در رویکردی بدیع، از صاحب نظران درخواست کرد پیش از شروع روند تهیه مسوده نظریات خود را در این باره با این دفتر شریک بسازند. بجای اینکه این دفتر ابتدا یک مسوده تخنیکی را برای دریافت نظریات طرح کند، خواستار نظریات جامعه مدنی برای درج نمودن در پالیسی مورد نظر شد. در نتیجه، بیشتر از 500 سازمان، نهاد، دولت، متخصصین سازمان ملل، متخصصین مستقل، فعالان، اشخاص آکادمیک و علمی، که از 100 کشور و قلمرو نمایندگی می کردند، نظریات شان برای کمک به کسب اطمینان از تدوین یک پالیسی جامع تر و قویتر با این دفتر شریک ساختند.

متأسفانه، برای تسویدکنندگان، زبان حقوق بین الملل مانند کنوانسیون پیشنهادی جنایات علیه بشریت رایج است که ابتدا مسوده سند را تهیه و بعد برای نظرخواهی و درج نظریات جامعه مدنی با آنها شریک ساخته شود. پس از اینکه مسوده ها تدوین می شوند، متخصصین حقوقی اغلب در باره جمله بندی سند با جامعه مدنی مشورت می کنند و تغییرات اندکی در نسخه نهایی مسوده این اسناد اعمال می شود. تا این لحظه، هیچ تعریفی از آپارتاید جنسیتی در مسوده کنوانسیون جنایت علیه بشریت ارائه نشده است. اگر تعریف آپارتاید جنسیتی در معاهده اضافه شود، جامعه مدنی فرصتی برای نظرخواهی و درج نظریات خود در این سند نخواهد داشت. به همین دلیل مهم است که نهادهای جامعه، درحالیکه مذاکرات جریان دارد- بایکدیگر کارکنند و نه تنها باید از جرم انگاری آپارتاید جنسیتی حمایت شود بلکه احکام آن مورد بحث قرار بگیرد تا از جامعیت آن از طریق یک تعریف قوی در مسوده کنوانسیون اطمینان حاصل شود.

گردهم آوردن شرکای کلیدی برای بحث در باره بازنگری های زبانی ساده برای تعریف آپارتاید جنسیتی می تواند متضمن شمولیت تمام قربانیان باشد. برای مثال، تعریف آپارتاید جنسیتی می تواند چنین باشد: "... اعمال ضد انسانی... که در بستر یک رژیم نهادی سلطه و ظلم نظام مند توسط یک گروه بالای دیگر گروه یا گروه ها بر بنیاد جنسیت ...". صورت می گیرد. این تعریف بازتاب دهنده زبان قانونی تاریخی است که به طور وسیع معرف ادراک حقوقی "گروه ها" تحت قانون جزای بین الملل است.

گزینه دیگر می تواند ویرایش تعریف آپارتاید جنسیتی یاد شده به این شکل باشد: ... اقدامات غیرانسانی... ارتکاب یافته در سیاق یک رژیم سازمان یافته سرکوب و سلطه بر مبنای جنسیت ...". این تعریف از نیاز به تعریف "گروه ها" در مسوده اجتناب می کند. این مسوده های تعاریف دو نمونه از تعاریفی است که نشان دهنده تغییرات زبانی محتمل است که می تواند متضمن پای بندی بهتر به شناخت قانون عرفی بین الملل از جنسیت به عنوان سازه اجتماعی باشد و باید با شرکای کلیدی کنوانسیون مورد بحث قرار بگیرد. 17

مزیدبرآن، برسمت شناختن زنان، دختران و افراد LGBTQI+ قربانی آپارتاید جنسیتی نیازمند آزمون دن دیگر اشکال تبعیض در رژیم های ظلم و سلطه سیستماتیک است. این سیستم عامل شکل های ترکیبی تبعیض جنسیتی و نیز شکل های بین بخشی یا متقاطع تبعیض بر مبنای نژاد، قومیت، مذهب، سن، معلولیت و وضعیت صحتی افراد است. بنابراین، تدوین کنندگان کنوانسیون منع جرم و جنایت علیه بشریت باید با طیف وسیعی از گروه های نهادهای مدنی، در زمان بازنگری زبان آپارتاید، از قبیل گروه های زنان، دختران، و LGBTQI+ و گروه های افراد دارای معلولیت، گروه های بومی، اصلی، جوانان، کاست، نژادی، و سازمان های حامی حقوق اقلیت های قومی و سازمان هایی که برای پایان دادن به خشونت جنسی مرتبط با کشمکش ها کار می کنند، باید مشوره نمایند.

**8. آیا فراخوان برای برسمیت شناختن اشکال اضافی آپارتاید منتج به کاهش شتاب در برسمیت شناخت آپارتاید جنسیتی خواهد شد؟**

17 ریچارد بنت، گزارش نماینده ویژه ملل متحد در باره وضعیت حقوق بشر در افغانستان و گروه کاری تبعیض علیه زنان و دختران، سند ملل متحد، [A/HRC/53/21](#) (20 جون 2023)، پارا 91.

نه. بلکه تاثیر برعکس خواهد داشت. این فراخوان منجر به تقویت حرکت به سوی برسمیت شناختن آپارتاید جنسیتی خواهد شد. دادن فراخوان برای جرم انگاری آپارتاید جنسیتی و دیگر اشکال آپارتاید نه تنها به برسمت شناختن تمام قربانیان آپارتاید جنسیتی زن، دختر و افراد +LGBTQI کمک می کند، بلکه زمینه ساز کمک بزرگتر و متنوع تر برای برسمیت شناختن حقوقی آپارتاید جنسیتی به عنوان جرم علیه بشریت می شود.

در پایان سال 2017، در هنگامی که پروسه تسوید کنوانسیون منع و مجازات جنایت علیه بشریت در مراحل پایانی کمیسیون حقوق بین الملل قرار داشت، پیش از سپردن مسوده کنوانسیون به کمیته ششم مجمع عمومی سازمان ملل، این سند فاقد درج دیدگاه های نهادهای جامعه مدنی و دارای یک تعریف منسوخ از جنسیت بود. در نتیجه، وکلای مدافع با توزیع یک جعبه ابزار به زبان های مختلف برای ارتقای معلومات جامعه مدنی، نه تنها در مورد تعریف جنسیت، بلکه در مورد سایر مقررات کلیدی مسوده کنوانسیون منع و مجازات جنایت آپارتاید علیه بشریت اقدام کردند. 18 آنها یک رویکرد میان بخشی بین سکتوری را برای کار بالای عدالت جنسیتی از طریق دخالت دادن مجموعه ای از کنشگران جامعه مدنی که کنوانسیون بر آنها تاثیر می گذاشت اتخاذ نمودند. این به معنای دسترسی به طیف وسیعی از مدافعین حقوق زنان، دختران و افراد +LGBTQI و نیز دیگر سازمان های ذیدخل به شمول سازمان های حقوق نژادی، قومی، بومی، جوانان، مهاجرین، پناهندگان و معلولین و اخذ نظریات آنان در باره کنوانسیون منع و مجازات جنایت علیه بشریت بود.

وکلای مدافع از کمیسیون درخواست کردند نه تنها تعریف منسوخ از جنسیت را در مسوده کنوانسیون منع جرم و جنایت علیه بشریت بازنگری یا حذف کنند، بلکه زمینه های جرم آزار و تعقیب را گسترش داده و زمینه های اضافی منع جرایم آزار و تعقیب را برای محافظت تحت حقوق بین الملل شامل این کنوانسیون بسازند. از این رو، وکلای مدافع ورکشاپ ها و جلسات توضیحی را با فعالان حقوق زنان و افراد +LGBTQI در سراسر جهان دایر نمودند تا مشخص بسازند که چگونه برای بازنگری یا حذف تعریف منسوخ جنسیت فراخوان بدهند. طیف وسیعی از وکلای مدافع محلی و بین المللی، شخصیت های اکادمیک و دیگر متخصصین نظریات خود را پیرامون ایجاد تغییرات در دیگر احکام منسوخ کنوانسیون، مزید بر فراخوان بازنگری یا حذف تعریف جنسیت، اضافه برآن، دولت ها مداخلات متعددی در حمایت از بازنگری یا حذف تعریف منسوخ جنسیت انجام دادند. در ادامه این روند، ده ها گزارشگر ویژه و متخصص سازمان ملل با امضا و تسلیم یک فراخوان از کمیسیون تقاضا نمودند تا تعریف منسوخ از جنسیت را حذف نمایند و تقاضا نمودند لیست گروه های محافظت شده از تعقیب و آزار بر مبنای معلولیت، ملاحظات صحتی، بومی، وضعیت مهاجرت و دیگر زمینه های مرتبط در این کنوانسیون افزوده شود. 19 در هنگامی که تسوید کنندگان کنوانسیون منع و مجازات جرایم علیه بشریت باید زمینه های جرم انگاری براساس تعقیب و آزار را گسترش می دادند، حذف تعریف منسوخ جنسیت برای آنها در پرتو این فراخوانها عملی تر و آسانتر شد. 20

18 مولفین تعریف مشخصی را پیشنهاد نمی کنند. آنها در عوض استدلال می کنند که هر تعریفی باید متضمن همه شمولى و جامعیت باشد و چنین مثال هایی را در این راستای دست یافتن به چنان تعریفی ارائه می کنند.

19 اچ آر جی ج (HRGJ)، مدره (MADRE)، اقدام بین المللی و دیگران، "کنوانسیون جنایات بین المللی علیه بشریت" (2018).

20 کمپساری عالی حقوق بشر ملل متحد، یادداشت: کامنت ها و ملاحظات در مورد دلایل تعقیب و آزار در مسوده کنوانسیون جنایات علیه بشریت.

همین سان، نویسندگان کنوانسیون منع و مجازات جنایت علیه بشریت گروه های تحت محافظت کمیسیون را باید افزایش دهد و حداقل کسانی را که تحت آزار و تعقیب هستند را باید شامل شود. اگر وکلای مدافع در این راستا تلاش کنند، "گروه های جنسیتی" دیگر لازم نیست به تنهایی برای ایجاد تغییرات مثبت کارزار کند. این گروه از مزایای حمایت و جایگاه برابر با دیگر گروه های تحت حمایت حقوق جزایی بین الملل برخوردار خواهد شد. چنان فراخوان هایی برای شمولیت مجموعه وسیعی از بازیگران در موقعیت های منازعه وارد ائتلاف می کند، که خواهان به رسمیت شناخته شدن منع و مجازات جنایت آپارتاید هستند. در فرجام، درحالی که دسته بندی های آپارتاید باید گسترش یابد، معامله در این زمینه ممکن است از طریق برسمیت شناخته شدن آپارتاید جنسیتی با ادراک "گروه ها" به عنوان یک سازه و ساخت اجتماعی با اندکی تغییرات ساده در تعریف آن بدست آید. این امر همچنین می تواند منجر به گسترش فهم آپارتاید جنسیتی شود، که راه را برای برسمیت شناخته شدن قربانیان آن که مدت طولانی برای چنان لحظه ای صبر کرده اند بگشاید.

پیشنهاد گستره وسیعتر حمایتی به این شکل زمینه کمک های بیشتر را برای تسوید کنندگان کنوانسیون برای حذف تعریف منسوخ جنسیت یا جندر فراهم کرد. حمایت گسترده از تلاش ها برای تعریف جنسیت در لحظات آخر سبب شد تا ILC تعریف منسوخ از جنسیت را از نسخه ای که به کمیته ششم تسلیم کرده بود حذف نماید.

## 9. چرا مهم است که جرم و جنایت آپارتاید جنسیتی (با یک تعریف جامع) به شکل حقوقی برسمیت شناخته شود؟

مانند سایر موفقیت های جنبش ها که به سختی بدست آمده است، برسمیت شناخته شدن یک ادارک جامع از آپارتاید جنسیتی در مسوده کنوانسیون منع و مجازات جرم علیه بشریت کمک می کند تا به جهان نشان داده شود هدف قرارداد زن، دختران و افراد LGBTQI+ بخاطر جنسیت شان جرم علیه بشریت است. این کار منجر به تقویت رویکرد بازمانده محور می شود (که به نام رویکرد قربانی محور نیز شناخته می شود) و طیف وسیعی از نجات یافتگان و حقوق آنها را برای مشارکت در مکانیزم های عدالت انتقالی و صلح برسمیت می شناسد. برسمیت شناخته شدن آپارتاید جنسیتی منجر به ایجاد صلح پایدار می شود و عادی سازی تبعیض جنسیتی و خشونت نهادینه شده را در قانون و رویه های موجود مختل می کند. اگر آپارتاید جنسیتی به عنوان جرم علیه بشریت جرم انگاری شود، عامل آپارتاید جنسیتی را می توان به طور مستقل یا همراه با جرایم دیگر (مانند آزار و اذیت جنسیتی) متهم به ارتکاب جرم کرد و این کمک می کند داستان کامل آنچه بر قربانیان در کشمکش ها و مظالم روی می دهد به طور واضح بیان شود.

بنابراین از تسویدکنندگان کنوانسیون منع جرم و جنایت علیه بشریت و شرکای کلیدی آن تقاضا می کنیم از پذیرش آپارتاید جنسیتی با یک تعریف جامع که متضمن پایبندی بهتر به قوانین بین المللی عرفی باشد و شامل تمام قربانیان می شود، حمایت نمایند. زیرا تمام ما حقوقی داریم که باید محافظت و حمایت شود و با کارکردن با همدیگر می توانیم تغییر ایجاد کنیم.